




Woman in Culture and Arts

Women's Hijab, A Conflict between Morteza Motahari and Qasim Amins Views

Yahya Bouzarinejad¹  | Mahdi Yazdani² 

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: y_bouzarinejad@ut.ac.ir
2. Graduated from Master's degree, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ma.yazdani@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 31 January 2024 Received in revised form: 11 May 2024 Accepted: 22 June 2024 Published online: 5 August 2024</p> <p>Keywords: <i>Qasim Amin.</i> <i>Morteza Motahari.</i> <i>Hijab.</i> <i>Feminism.</i></p>	<p>Qasim Amin was a prominent Egyptian intellectual who, through his two writings, initiated numerous social reforms in Egypt. These reforms were subsequently replicated in other Islamic countries. He initially expressed his personal opinions regarding the position of women in society and their hijab in a manner that was sympathetic to Islam. However, he eventually began to express his own views that were not in accordance with Islam. He regards the hijab worn by eastern women as the cause of regression in eastern countries, while the lack of hijab worn by western women is the source of progress in western countries. He also maintains that the hijab worn by women stimulates and intensifies the desire of men. He was of the opinion that women are subject to four historical periods, and when they reach the fourth period, they have achieved complete liberation, similar to communism. He believed that the hijab was a form of sex slavery and that it was only appropriate for the women of the Prophet. He also held the belief that hijab is a consequence of the interaction between Islamic countries and their neighboring countries. These are merely a few of the issues that Amin addressed in his two renowned works, <i>Tahrir al-Mur'a</i> and <i>al-Mur'a al-Jadidah</i>, regarding hijab. In this article, we compare Amin's perspectives on the hijab with those of Morteza Motahari. Amin will be provided with appropriate responses in accordance with Morteza Motahari's comments. The impact of Western modernity and the role that Westerners have depicted for women is evident in Amin. Amin's works are primarily focused on the development of gender, with a particular emphasis on women's education and the notion that women's independence is a precursor to Western civilization. He considers the hijab from the perspective of Islamic jurisprudence, but ultimately reaches his own personal opinions regarding the hijab and pursues complete freedom from it.</p>
<p>Cite this article: Bouzarinejad, Y., & Yazdani, M. (2024). Women's Hijab, A Conflict between Morteza Motahari and Qasim Amins Views. <i>Woman in Culture and Art</i>, 16(2), 265-286. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.371681.2010</p>	
<p> © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.371681.2010</p>	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

حجاب زن؛ کشاکش آرای مرتضی مطهری و قاسم امین

یحیی بوذری نژاد¹ | مهدی یزدانی²1. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: y_bouzarinejad@ut.ac.ir2. کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ma.yazdani@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: حجاب، قاسم امین، فمینیسم، مرتضی مطهری.</p>	<p>قاسم امین مصری از روشنفکرانی بود که با دو اثر تألیفی خود، منشأ تغییرات اجتماعی بسیاری در مصر و دیگر کشورهای اسلامی شد. هدف این پژوهش، کشف دیدگاه امین در مورد حجاب و حضور زن در جامعه و مقایسه این موارد با اندیشه مرتضی مطهری است. نظرات او در تقابل کامل با اندیشه مطهری در مسئله حجاب و حضور زن در اجتماع است. حجاب زنان شرقی را عامل پسرقت شرقیان می‌داند و معتقد است بی‌حجابی زنان غربی، عامل پیشرفت غربیان است. همچنین حجاب را عامل تحریک شهوت می‌داند. برای زنان چهار دوره تاریخی قائل است تا به رهایی کامل برسند. قاسم امین حجاب را زندان زن می‌داند. از دیدگاه او، حجاب مخصوص زنان پیامبر است. تمامی دیدگاه‌های مذکور توسط آثار مرتضی مطهری مقابله و پاسخ داده شده است. تأثیرپذیری امین از مدرنیته غربی و جایگاهی که غربیان برای زن متصور بودند انکارناپذیر است. وی از دریچه توسعه جنسیتی با تأکید بر آموزش زنان استدلال‌هایش را مطرح می‌کند و تنها راه نجات و رهایی را در آمیختن با تمدن غرب و رفع کامل حجاب می‌داند. در پژوهش پیش‌رو از روش مطالعه تطبیقی انتقادی استفاده شده است که به صورت کلی، این روش در چند محور انجام می‌پذیرد و درصدد پاسخ به پرسش‌های خرد و کلان و کشف میزان تطبیق‌پذیری است، همچنین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به میزان انطباق دیدگاه امین و مطهری در مسئله حجاب و حضور زن در اجتماع، و کشف میزان تطبیق‌پذیری دیدگاه‌های امین بر مطهری در مسائل مورد نظر است.</p>
<p>استناد: بوذری نژاد، یحیی و یزدانی، مهدی (۱۴۰۳). حجاب زن؛ کشاکش آرای مرتضی مطهری و قاسم امین. زن در فرهنگ و هنر، ۱۶(۲)، ۲۶۵-۲۸۶.</p> <p>DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.371681.2010</p>	<p>DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2024.371681.2010</p>
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	<p>© نویسندگان.</p>



۱. مقدمه

ظهور و بروز اجتماعی زن در شئون مختلف آن مانند ورزش، فرهنگ، کار و... از مسائلی بود که در جامعه بعد از دوره نوزایی^۱ دستخوش تغییرات جدی قرار گرفت. تأثیرپذیری شرقیان از این واقعه نیز در خور توجه بود. در جوامع عربی و غیرعربی مسلمان، برخی روشنفکران با تأثیرپذیری از تفکر جدید شکل گرفته در مغرب‌زمین دست به تألیفات متعددی زدند که این امر با نیات متعددی همراه بود. برخی به گمان اینکه زن مسلمان از جایگاه و مرتبه واقعی خود پایین‌تر قرار دارد و برخی به گمان به کمال‌رساندن زن. برخی دیگر در این فکر بودند که فرهنگ جدید مغرب‌زمین ضامن سعادت و کمال است. این موارد از انگیزه‌هایی هستند که متأثران از فرهنگ و سنت غربی را بر آن داشت تا در خود نسبت به جایگاه زن در جامعه احساس وظیفه کنند و اقدام به تأثیرگذاری به روش‌های متعدد کنند. در مصر اما به سبب ارتباط بیشتری که با مغرب‌زمین داشت، این تأثیرپذیری زودتر و عمیق‌تر بود. قاسم امین^۲ از افرادی بود که کتاب‌های او در این وضعیت، طوفانی در مصر (Hourani, 1997: 175) و در سرزمین‌های عربی و اسلامی به پا کرد، گویی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنگ فکری و مناقشات نظری قرن اخیر را به راه انداخته بود (Amarah, 1989: 54). در نهایت، گفتمان موجود در جامعه مصر را به چالش کشید (Alavinejad, 2016: 5) و در صدد ایجاد نگاهی نو به مسئله زن بود. او در تألیفاتش نظرات خود را درباره زن نوشت. اثرگذاری امین بیشتر در حیطه تربیت و پرورش و آموزش زنان بود (Jadaan, 1998: 126). تأثیرگذاری کتاب‌های او تا حدی بود که تا حدود یک قرن، نام کتاب‌های قاسم امین در کتب و مقالات برده می‌شد. او دو اثر معروف با نام‌های *تحریر المرئه و المرئه الجديده* دارد. کتاب اول را در سال ۱۸۹۹ نگاشت و زمانی که واکنش نخبگان اجتماعی به این اثر را مشاهده کرد، اثر دوم را در سال ۱۹۰۱ به رشته تحریر درآورد. او دانش‌آموخته حقوق در فرانسه بود (Ghareed, 1994: 18) و با سعد زغلول^۳ رهبر انقلاب مصر و محمد عبده^۴ ارتباط نزدیک داشت^۵ (Amarah, 1989: 24; Yari, 2015: 126) کتاب‌های امین که با مبانی

1. Renaissance

2. Qasim Amin (1865-1908)

3. Saad Zaghloul (1859-1927)

4. Mohammed Abduh (1849-1905)

۵. امین در کتاب اول خود، *المصريون* از زنان مصری در مقابل زنان اروپایی شدیداً دفاع و به زن اروپایی حمله کرد، ولی تحصیل در فرانسه وی را تحت تأثیر قرار داده بود؛ به حدی که بعد از گذشت پنج سال در *تحریر المرئه* کاملاً متفاوت با گذشته قلم زد و وضعیت زنان در مصر را حقارت‌آمیز دانست. تأثیر امین در جامعه عرب، خصوصاً مصر، عمیق و گسترده بود و توانست برخی

آزادی زن در غرب سازگار بود، در ایران نیز تأثیرگذار شد (Jafarian, 2001: 67). وی توسط آثارش، به روشمندی مبارزات برای آزادی زنان کمک کرد (Al-Milad, 2002: 16) و در جریان ورود آثار او به ایران توسط وزارت فرهنگ رضاشاه در ایران در جریان اصلاحات رضاشاهی توسط مذهب الدوله^۱ ترجمه و با عنوان *زن و آزادی* در دسترس عموم قرار گرفت. این تأثیرگذاری تا جایی ادامه یافت که ترجمه کتاب قاسم امین، مبدأ کشف حجاب رضاخانی شد. کتاب دیگر امین نیز توسط یوسف اعتصامی^۲ با عنوان *تربیت نسوان* ترجمه شد و در دسترس عموم قرار گرفت (Tabataba'i Majd, 2016: 54).

به نظر نگارندگان، محور اصلی بحث قاسم امین در این دو اثر، آزادی زن و حجاب است. حجاب زنان به عنوان امری دینی، زمانی رنگ و بوی اجتماعی به خود گرفت که سبب تأثیرات زیاد و منشأ تغییرات متعدد اجتماعی شد. این دیدگاه‌ها واکنش‌هایی را در سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران و مصر برانگیخت و کتاب‌هایی برای پاسخ به دیدگاه‌های قاسم امین نوشته شد. از جمله افرادی که دیدگاه‌های قاسم امین را نقد کرد فرید وجدی^۳ بود که اهمیت نقد او در *المرئیه المسلمه* به این خاطر است که مسئله حجاب و زن در جامعه را از حیث اجتماعی بررسی کرده و نه صرفاً دینی (Jafarian, 2021: 93). در ایران و مصر نیز سی اثر متعدد در نقد نظرات امین نگاشته شد که *وسيله العقابف*^۴ یا *طومار عفت* مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود.^۵

مرتضی مطهری یکی از تأثیرگذاران اجتماعی معاصر است که با توجه به اینکه زمان زیادی از نشر آثار و تفکرات او نگذشته است، ضروری است که نسبت دیدگاه او با دیدگاه‌های امین کاوش شود که از تلاقی اندیشه او و امین موارد قابل استفاده‌ای می‌تواند استخراج شود. در این نوشتار، ابتدا نظرات قاسم امین در دو اثر *تحریر المرئیه* و *بعضاً المرئیه الجدیده* مطرح می‌شود و سپس توسط نظرات مرتضی مطهری پاسخ داده می‌شود. این پژوهش با مقایسه و تقابل اندیشه دو طرف بحث به

تأثیرگذاران اجتماعی را با خود همراه کند که عزیز جاسم در *المفهوم التاريخي لقضية المرأة* (۱۹۸۶) به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده است (Al-Sayyed Jassim, 1986).

1. Sayyed Bagher Khan Muhazab Al Dawleh Kazemi (1892-1977)

۲. یوسف اعتصامی (۱۳۱۶-۱۲۵۴) پدر پروین اعتصامی بود و تأثیرات امین بر شعر پروین نیز انکارناپذیر است (Ibn al-Rasoul, 2011).

3. Farid Vajdi (1878-1954)

۴. نوشته شیخ یوسف گیلانی (۱۲۵۳-۱۳۲۷ ش)

۵. *تربیه المرأة و الحجاب* اثر محمد طلعت حرب، *السنه و الکتاب فی حکم التریبه و الحجاب* اثر محمد ابراهیم قایاتی، *الجلسیس الانیس فی التحذیر عما فی تحریر المرئیه من التلبیس* اثر محمد احمد حسنین البولاقی از جمله این آثار هستند.

دنبال ایجاد گفت‌وگویی میان این دو است. در ضمن گفت‌وگو به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده می‌شود. پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. نسبت دیدگاه امین با دیدگاه مطهری در مورد مسائل مربوط به حجاب و حضور زن در اجتماع چیست؟
۲. دیدگاه‌های امین تا چه میزان بر دیدگاه‌های مرتضی مطهری منطبق است؟

۲. پیشینه پژوهش

یاری در پژوهشی با عنوان «حقوق اجتماعی زن در اندیشه محمدقاسم امین» (۱۳۹۴) با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به تحلیل نظرات قاسم امین پرداخت. او پس از توضیح این نظریه، متن امین را تحلیل کرد و نشان داد محور اصلی متون امین، نابرابری اجتماعی زن است. محور گفتمان تولیدشده توسط امین، الگوگیری از غرب است و ابزار اجرای این الگو، آموزش و سیاست هستند. نویسنده معتقد است این مسئله را بر پایه خردگرایی و سودگرایی بنا نهاده است (Yari, 2015).

جعفریان در مقاله‌ای با عنوان «مسئله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران» (۱۳۸۰) به راه‌های ورود چالش مسئله حجاب در ایران پرداخت و در ضمن پرداختن به مسئله ترجمه به عنوان یکی از راه‌های ورود به ایران، به ترجمه آثار قاسم امین اشاره کرد. او استدلال کرد که مذهب الدوله به عنوان اولین مترجم آثار امین، این کار را در راستای مدرن‌سازی اجباری رضاشاهی انجام داد که بعداً توسط وزارت فرهنگ رضاشاه چاپ شد. همچنین مقاله دیگری از همین نویسنده با عنوان «حجاب، از استدلال‌های دینی تا استدلال‌های اجتماعی» (۱۴۰۰) وجود دارد. وی با اشاره‌ای به مقاله گذشته خود درباره قاسم امین، به تألیفاتی اشاره کرد که در دوران پهلوی اول و دوم به وجود آمد و مقصد همگی آن‌ها در راستای پیاده‌سازی فرهنگ مدرن و کشف حجاب و بیرون‌راندن زن از دایره عفت است. سپس خلاصه‌وار به بیان فصول اثر فرید وجدی به عنوان پاسخی به تحریر المرئه پرداخت (Jafarian, 2001; 2021).

عنوان مقاله دیگری که در آن، بحث از مسائل اجتماعی و حجاب از منظر امین مطرح شده «نسبت دیدگاه نواندیشان معاصر دینی با توسعه جنسیتی (تحلیل و مقایسه آرای قاسم امین و نظیره زین‌الدین درباره زنان)» (۱۳۹۵) است، نویسنده پس از اشاره به دیدگاه روشنفکری دینی، دیدگاه سلفی و نظریات زنان و توسعه به تحلیل آرای امین در ارتباط با مسئله توسعه جنسیتی پرداخت و

نتیجه گرفت دغدغه امین، گزینشی عمل کردن دین است. نویسنده این تحقیق معتقد است تفکر امین به دنبال نفی جمود فقهی و عامل تحقق فقه پویا است (Ameri & Hamidi, 2017).

مرادی در مقاله «ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه قاسم امین مصری و پروین اعتصامی» (۱۳۹۲) ضمن برجسته کردن زیربنای اندیشه قاسم امین در تأثیرپذیری از فرهنگ و اندیشه غربی، این موارد را با اندیشه پروین اعتصامی تطبیق داد (Moradi & Samizadeh, 2013).

مقاله‌ای با عنوان «دراسة و نقد لآراء قاسم امین عن الحجاب فی کتاب تحریر المرءة» (۱۳۹۶) توسط فتحی دهکردی به زبان عربی نگاشته شد که به مهم‌ترین نظرات امین اشاره می‌کند و سپس آن‌ها را با تکیه به مبانی دینی مورد نقد قرار می‌دهد. به سخن فتحی، میان مبانی اسلامی و دینی و دیدگاه قاسم امین شکاف بزرگی وجود دارد و دیدگاه وی در تضاد کامل با اسلام است. او این مسئله را با تکیه بر تحلیل تاریخی و علمی و شواهد عقلی و نقلی مطرح کرده است (Fathi Dehkordi & Wali Nawaz Jahazdani, 2017).

ابن الرسول و محمدی فشارکی در مقاله «پروین اعتصامی و اثرپذیری از اندیشه‌های قاسم امین منادی آزادی زن در مصر» (۱۳۹۰) مصادیق موجود در مسئله آزادی زن در اندیشه قاسم امین را با شعرهای پروین اعتصامی تطبیق دادند و در آخر هم به اثرپذیری پروین اعتصامی از قاسم امین نظر مثبت دادند (Ibn al-Rasoul & Mohammadi Fesharaki, 2011).

سجادی در پایان‌نامه «بررسی دیدگاه قاسم امین در مورد زن و میزان مطابقت آن با قرآن و سنت» (۱۳۸۶) ضمن دفاع از روش امین در دو اثر مشهور وی، معتقد است امین در بیان آرای خود مخالف دستورات دینی، منادی کشف حجاب، مقلد فرهنگ غربی و مروج فساد و بی‌بندوباری نبوده و محکوم و متهم کردن وی ریشه در التزام به سنت‌ها و در دیدگاه‌های متحجرانه عصر وی نسبت به زن داشته است (Sajadi, 2007).

دادخواه، گلی‌زاده و نظریور در مقاله «جایگاه زنان از دیدگاه ادیبان نواندیش مصر نوین» (۱۳۹۲) استدلال کردند امین از روشنفکرانی است که برای رهایی زنان از بند بردگی تلاش کرده است. آنان ضمن بررسی پروژه فکری امین و دیگر نواندیشان مصر نتیجه گرفتند همگی در پی ایجاد هماهنگی میان آموزه‌های دین و دستاوردهای مدرنیته بوده‌اند (Dadkhah, Golizadeh & Nazarpour, 2013).

در میان نویسندگان و اثرگذاران اجتماعی عرب، محمدحسین هیکل در مقاله‌ای با عنوان «بعد قاسم امین» بعد از تمجید از امین، روش او را پیاده‌سازی رنسانس شرقی و بومی در مصر می‌داند و اظهار می‌کند که امین راه زنان به آزادی و آزادی را باز کرد (Heikal, 1935). احمد حسن الزیات

(۱۹۵۱) در مقاله‌ای که متن سخنرانی وی در اتحادیه زنان مصر است و بعداً در هفته‌نامه ادب و علوم و فنون با عنوان «قاسم امین» (۱۳۷۰ ق) چاپ شد، ضمن تمجید از امین و چند نفر دیگر از روشنفکران معاصر وی اظهار می‌کند که امین از اصلاح‌گران زمان خود است که به دغدغه‌های جامعه رسیدگی کرد و زنان را از ابتدال نجات داد (Al-Ziyat, 1951).

ویژگی این پژوهش که آن را از سایر تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه مستثنا می‌کند، مقابله کردن اندیشه قاسم امین با اندیشه‌های مرتضی مطهری است که سابقه‌ای نداشته است و ضروری است که چنین تحقیق و مقایسه‌ای میان دو اندیشه صورت گیرد تا نسبت اندیشه امین و مطهری در مسائل مشترک آشکار شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه تطبیقی انتقادی دو انسان تأثیرگذار اجتماعی به‌عنوان رسالت این پژوهش، مورد توجه قرار گرفت. به‌صورت کلی هدف از مطالعات تطبیقی انتقادی، سنجش میزان انطباق دو اندیشه است که در چند محور موضوعی صورت می‌پذیرد و هدف از آن کشف موارد تازه در تقارن دو اندیشه است. مطالعات انتقادی در طراحی و سنجش نسبت دو اندیشه با یکدیگر انجام می‌گیرد و ضرورت آن پاسخ به پرسش‌های خرد و کلان و میزان تطبیق‌پذیری است (Marsh & Stoker, 1999: 282). در این نوع مطالعات، علاوه بر پرداختن به مسئله، دامنه تطبیق نیز مشخص می‌شود (Faramarz Qaramelki, 2006: 295). در این پژوهش، براساس روش مطالعات تطبیقی به نقاط گره و تلاقی اندیشه قاسم امین و مرتضی مطهری پرداخته می‌شود و در ضمن تطبیق، از دیدگاه‌های مطهری به‌عنوان پاسخ برای دیدگاه‌های امین استفاده می‌شود. منابع مورد استفاده در این پژوهش، منابع کتابخانه‌ای است.

۴. مبانی نظری

در این بخش، مفاهیم و پیش‌فرض‌های نظری که در پژوهش استفاده شده تبیین می‌شود.

۴-۱. کمونیسم جنسی

ظاهراً مکتبی رسمی به نام کمونیسم جنسی وجود نداشته است و این تعبیر حکایت از روابط جنسی نامحدود می‌کند؛ به این صورت که هیچ زنی به هیچ مردی اختصاص نداشته باشد و برعکس. مطهری از این عدم اختصاص، با نام «کمونیسم جنسی» نام می‌برد (Motahhari, 2013: 199).

۴-۲. حجاب

حجاب به پوشش بدن زن در مقابل مردان نامحرم گفته می‌شود. براساس سنت مرسوم دینی، دارای پشتوانه نقلی از آیات قرآن و روایات و سیره معصومین است و فقیهان آن را واجب شرعی دانسته‌اند. محل بحث در حجاب، حدود و ثغور آن است و نه اصل آن. در سال‌های پس از نوزایی درباره اصل آن هم بحث‌هایی صورت گرفت.

۴-۳. دوره مادرشاهی

در ادوار ماقبل تاریخ دوره‌ای بود که بشریت در حال توحش زیست می‌کرد و مردان به نقش خود در بارورساختن زنان واقف نبودند؛ بنابراین فرزند متولدشده از زنانی که مدتی با آنان بودند فرزند خود به حساب نمی‌آوردند، بلکه آنان را فرزندان زنان می‌دانستند. به همین سبب، مردان موجوداتی عقیم و نازا محسوب می‌شدند و زندگی و تولیدمثل حول محور زنان مطرح بود. از این دوران با نام دوره «مادرشاهی» یاد می‌شود (Motahhari, 2013:193).

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش به مقایسه اندیشه امین و مطهری در اطراف مسائل مربوط به زن و آزادی‌های وی در اجتماع پرداخته می‌شود.

۵-۱. معنای حجاب در کشاکش محدودیت یا مصونیت

امین در ضمن نقدهایی که به حجاب وارد می‌سازد در اکثر موارد از آن تعبیر به زندان می‌کند (Amin, 1899: 48, 52 & 1901: 21, 38). از دیدگاه او پوشش، نوعی زندانی کردن زن است و کار در خانه را تحقیر و مشغله زن به کار خانه را ظلم به او می‌داند، اما مطهری بر آن است که کلمه حجاب یک اصطلاح جدید است و بهتر است عبارت پوشش یا ستر به کار برده شود؛ زیرا همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. همچنین اظهار می‌کند که پوشش برای زنان به معنی حبس در خانه نیست (Motahhari, 2013: 430-431).

ایشان در پاسخ به اشکالی که پوشش زن را مانع از بروز استعدادها می‌داند، معتقد است حجاب نه تنها فلج کننده زن نیست، بلکه نیروی کار اجتماعی را تقویت می‌کند و مانع هدررفت نیروی زن است. او ایراد مذکور را به شکل خاصی از حجاب که میان هندی‌ها و ایرانیان متداول بوده

وارد می‌داند نه به پوشش اسلامی، و توضیح می‌دهد که مبنای حجاب اسلامی، انحصار التذاذ جنسی به محیط خانواده و همسر مشروع است (Motahhari, 2013: 451).

از دیدگاه امین، زن مسیحی به واسطه اختلاط با مردان در اجتماعات، اطلاعاتی از زندگی و معاش به دست آورده که زن مسلمان فاقد آن است و این مسئله را دلیلی برای لزوم اختلاط با مردان و فضیلت زن مسیحی بر مسلمان می‌داند (Amin, 1899: 50).

مطهری معتقد است تفاوت اساسی بین زندانی کردن زن در خانه و موظف‌دانستن او به پوشش در وقت تعامل با مرد بیگانه وجود دارد. در اندیشه او، محبوس و اسیر کردن زن در خانه نه تنها با کرامت زن سازگار نیست، بلکه در وقت مقتضی، زن باید در با پوشش مناسب در اجتماع حاضر شود (Motahhari, 2013: 447). به سخن او مجازات حبس فقط برای زنان بدکار است و اسلام نه موافق حبس است و نه موافق اختلاط، بلکه قائل به حریم است (Motahhari, 2013: 551).

۵-۲. دیدگاه امین و مطهری نسبت به وجود اصل حجاب و پوشش در اسلام

امین در موضوع پوشش اظهار می‌کند که حجاب از اسلام نبوده است و در اثر تعامل ملت مسلمان با سایر ملل وارد فرهنگ اسلامی شده است (Amin, 1899: 44). یا در جای دیگری، حجاب را «لباسی که از گذشتگان به ارث رسیده است» می‌نامد (Amin, 1899: 47). در مقابل، مطهری معتقد است این سخنان مربوط به کسانی است که اطلاع کاملی از اسلام ندارند و این تفکر را غلط و مردود و یاوه‌گویی می‌داند (Motahhari, 2013: 525).

سپس با اشاره به سخن ویل دورانت^۱ که قائل به تأثیرپذیری اسلام از آیین مجوسی است این سخن را مردود می‌داند و می‌گوید هیچ‌گونه ممنوعیت ارتباط و گوشه‌نشینی برای زن وجود ندارد (Motahhari, 2013: 387) و ضمن اشاره به سخن دورانت مبنی بر اینکه زنان زمان پیامبر هیچ‌گونه حجابی نداشته‌اند، برای نقد این سخن، کلامی از عایشه می‌آورد که زنان انصار را به دلیل قبول حکم پوشش و حجاب، پس از تشریح حکم توسط پیامبر، ستایش می‌کند. «زنانی بهتر از زنان انصار ندیده‌ام، همین که آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با روسری‌های مشکی می‌پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است (Abi Dawud, 2009, 2: 382 & Zamakhshari, 1987, 3: 231). سپس از سنن ابی‌داوود، از قول عایشه نقل می‌کند: «پس از آنکه آیه سوره احزاب (يَذُنَّ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيْبِ) نازل شد زنان انصار

1. William James Durant (1885-1981)

نیز چنین کردند» (Motahhari, 2013: 389). پس از آن با اشاره به سخن جواهر لعل نهرو^۱ که همسو با سخن امین، حجاب را از واردات فرهنگ اسلامی می‌داند، ضمن رد این سخن می‌گوید اسلام به خودی خود حجاب و پوشش داشته است و بعدها در ارتباط ملل مسلمان با هندوها در برخی مناطق، حجاب بسیار سفت و سخت گرفته می‌شود، ولی این طور نبوده که اصلاً هیچ حجابی در اسلام وجود نداشته است (Motahhari, 2013: 390).

۵-۳. بررسی مسئله تاریخی بودن زن و حضور وی در اجتماع

به باور امین، تاریخ زن به چهار دوره تقسیم می‌شود. در مرحله اول آزادی داشته است. در مرحله دوم او برده شده است. در مرحله سوم برخی از حقوق او به رسمیت شناخته شده و در مرحله آخر که قاسم امین خود را داعیه‌دار همین مرحله می‌داند، معتقد است مرحله آزادی کامل زن و تساوی با مردان است (Amin, 1901: 21).

مطهری پس از توضیح درباره این چهار دوره، ضمن اینکه این تقسیم‌بندی را ملهم از کمونیسم^۲ و خصوصاً کمونیسم جنسی می‌داند، این طبقه‌بندی را بی‌اساس می‌شمرد و اظهار می‌کند که در این منطق، پوشش برای زن به حکم زندانی شدن به دست مرد است. کل این چهار دوره در بستر استفاده اقتصادی مرد از نیروی زن مطرح است و ریشه در تفکرات سوسیالیستی^۳ و کمونیستی دارد و نهایت چیزی که مورخان قبول کرده‌اند، وجود دوره مادرشاهی^۴ بوده است نه کمونیسم جنسی (Motahhari, 2013: 411-412, 166).^۵ سپس اظهار می‌کند ترجمه تاریخ تمدن ویل دورانت نیز تأیید می‌کند که اعتقاد به چهار دوره تاریخی مذکور از اساس بی‌پایه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Jawaharlal Nehru (1889-1964)

2. Communism

3. Socialist

4. Matriarchy

۵. مارکس معتقد بود با تمرکز بر جمعی‌سازی منابع و با حداقل کردن مالکیت خصوصی می‌توان بین مردان و زنان برابری برقرار کرد. فمینیسم در اندیشه مارکس حول محور مفهوم ستم بر زنان و رهایی زن از ستم جنسی سرمایه‌دارانه دور می‌زند (Nouraninejad, 2017: 202).

۴-۵. بررسی ماهیت و کارکرد حجاب در جامعه

یکی از ادلهٔ امین برای مقابله با پوشش، زینت محسوب شدن حجاب از نظر وی است. او معتقد است از کنار برقع^۱ و نقاب^۲ زیبایی‌های گردن، ابروها، چشم و گونهٔ زن نمایان می‌شود و این خود عامل تحریک مردان است؛ بنابراین به این دلیل که ماهیت حجاب را زینت می‌داند، بر آن است که موجب فحشا و فتنه می‌شود و استفاده از آن‌ها جایز نیست (Amin, 1899: 43).

همچنین وی معتقد است استفاده کردن از نقاب و برقع از مشروعات اسلامی نیست. نه تعبد خداوند است و نه آداب معاشرت محسوب می‌شود، بلکه از عادات قدیمی قبل از اسلام است که بعد از اسلام نیز باقی مانده است (Amin, 1899: 44). در جای دیگری ضمن انکار ارتباط میان بی‌حجابی و فحشا به ترویج اختلاط می‌پردازد (Amin, 1899: 50-51). اما مطهری دربارهٔ کارکرد حجاب در جامعه، ضمن اشاره به سخن فروید^۳ مبنی بر اینکه محرومیت‌ها سبب بیماری ذهنی و روانی می‌شود، توضیح می‌دهد که به خلاف سخن فروید، رهاسازی پوشش سبب دیوانه شدن جامعه و تولید عقدهٔ روحی می‌شود (Motahhari, 2013: 460).

همچنین در موضوع کارکرد حجاب، امین یکی از لوازم حجاب را تحریک شهوت می‌داند و با تعبیر «الزم لوازم الحجاب» بر آن تأکید می‌کند. او قوی‌ترین لازمهٔ حجاب را آماده کردن ذهن مردان و زنان برای تخیل شهوت می‌پندارد و بر این باور است که در شرایط وجود حجاب، اگر مرد و زن به یکدیگر توجه کنند، تحریک شهوت برای آن‌ها رخ می‌دهد و این مسئله را دلیلی برای ترک حجاب ذکر کرده است (Amin, 1899: 52). مطهری در مقابل این تفکر اظهار می‌کند نبود حریم میان زن و مرد، آزادی و معاشرت‌های بی‌حد و حصر سبب افزایش بار هیجان‌ات و التهابات جنسی و سبب سرکشی غریزهٔ جنسی می‌شود (Motahhari, 2013: 434).

۵-۵. بررسی تأثیر حجاب و تدین بر پیشرفت علمی و فناوریانهٔ جوامع

امین در موضوع نسبت علم و دین معتقد به برتری علم است و پوشش زنان شرقی را عامل انحطاط و عقب‌ماندگی مشرق‌زمین و بی‌حجابی زنان غربی را عامل رشد غربیان می‌داند: «حجاب زنان سبب انحطاط شرق و عدم حجاب زنان غربی، راز پیشی گرفتن آنان است» (Amin, 1901: 90, 100).

۱. برقع (Burqa) نوعی پوشش سر است که در آن فقط چشم‌ها پشت پرده یا شبکه‌ای قرار می‌گیرد و باقی صورت کاملاً پوشیده است. برقع جمع براقع است و به وسیلهٔ آن، زنان چهرهٔ خود را می‌پوشانند. تبرقع به معنی پوشیدن برقع است (Ma'lu'f, 2008: 23).

۲. نقاب (niqab) نوعی پوشش صورت است که در آن از کل صورت فقط چشم‌ها مستقیماً نمایان می‌شود.
3. Sigmund Freud (1856-1921)

وی در جای دیگری حجاب را مانع تجارت و کارکردن زنان برای معیشت می‌داند (Amin, 1899: 41). وی نتیجه می‌گیرد که حجاب مانع پیشرفت زنان و مانع پیشرفت امت است و زن اگر حجاب داشته باشد نمی‌تواند مسیر تکامل خود را به سرانجام برساند (Amin, 1899: 47). از دیدگاه مطهری، مبنای حجاب در اسلام، انحصار التذاذ جنسی به محیط خانواده و همسر مشروع است و بی‌حجابی نه تنها سبب رشد نیست، بلکه راندمان کار را کاهش می‌دهد و نیروی مرد و زن را فلج و استعداد جوانان را فاسد می‌کند (Motahhari, 2013: 433, 536). با این حال امین با اشاره به رشد فناوری‌های اروپاییان مانند تولید ماشین بخار و کشف نیروی الکتریسیته معتقد است اگر اروپاییان خیری در حجاب می‌دیدند آن را رها نمی‌کردند (Amin, 1899: 58).

نسبت علم و دین در نگاه مطهری به صورت دیگری مطرح است. به بیان او، برخی از روشنفکران گمان می‌کردند لازمه رشد فناوری‌ها ترک دینداری، و لازمه دینداری حفظ شکل‌ها و مبارزه با تحرک و تحول است. به سخن او نهرو، نخست‌وزیر سابق هندوستان، در جوانی معتقد بود مذهب، سبب جمود و عدم تحول است، ولی در اواخر عمرش به خلاً معنوی روحی خود اذعان کرد (Motahhari, 2013: 99-101). سپس به سخن برنارد شاو^۱ نویسنده انگلیسی اشاره می‌کند که اسلام را دینی می‌داند که توان زیادی برای تطبیق‌پذیری با قوانین زنده بشری دارد (Motahhari, 2013: 99-101).

۵-۶. بررسی اختصاص حجاب به زنان پیامبر (ص)

امین حجاب را به دو معنی اخذ می‌کند. یکی به معنی پوشش ظاهری و دوم به معنی عدم اختلاط زن با مرد نامحرم. در مورد قسم اول بر آن است که به دلیل اینکه در آیات قرآن کریم اسمی از برقع و نقاب برده نشده و حجاب اسلامی در قرآن، انداختن روسری روی سینه است (اشاره به آیه ۳۱ سوره نور)؛ بنابراین به دلیل عدم استفاده قرآن از نقاب و برقع، این موارد از مشروعات اسلامی محسوب نمی‌شود (Amin, 1899: 44). ولی در اثر بعدی خود (المرئیه الجدیدیه) به همین مقدار هم رضایت نداد و اظهار کرد حجاب یک عادت است و سزاوار نیست زنان در این زمانه حجاب داشته باشند (Amin, 1901: 90).

نوع دوم حجاب که امین از آن نام می‌برد مربوط به عدم اختلاط با نامحرم است. وی این مسئله را در ضمن آیات ۳۲ و ۵۳ سوره مبارکه احزاب مطرح می‌کند و معتقد است این آیات در وصف همسران پیامبر است؛ بنابراین برای باقی زنان لازم‌الاتباع نیست (Amin, 1899: 44).

1. George Bernard Shaw (1856-1950)

وی برای قسم دوم حجاب که مربوط به مراقبت از اختلاط با نامحرم است، ابتدا چند فتوا آورده است و هنگامی که قصد نتیجه‌گیری از مقدمات را دارد، توضیح می‌دهد حکم حجاب مخصوص زنان پیامبر است: «چه‌بسا گفته شود آنچه برای زنان پیامبر واجب بوده است برای باقی زنان مستحب است.» سپس می‌گوید: «با توجه به آیه «لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ»^۱ می‌توان حکم زنان پیامبر را از بقیه زنان جدا کرد.» در ادامه می‌نویسد: «عبارت لَسْتُنَّ اشاره به این است که نباید بین زنان پیامبر با بقیه زنان شباهت وجود داشته باشد و با توجه به حکمت‌هایی که در بی‌حجابی هست می‌توان این حکم (استحباب حجاب) را تعطیل کرد و صحیح نیست که به‌خاطر امر مستحب، امری که واجد حکمت است (بی‌حجابی) تعطیل شود» (Amin, 1899: 44).

مرتضی مطهری در مقابل معتقد است خداوند برای زنان پیامبر برخی جهات اجتماعی را لحاظ می‌کرده که برای بقیه زنان آن را در نظر نگرفته است و آیه «لَسْتُنَّ» نیز مربوط به همین موارد است. وی استدلال می‌کند حکم به عدم شباهت زنان پیامبر به بقیه زنان، مربوط به برخی جهات سیاسی اجتماعی است و در ادامه با اشاره به حضور عایشه در صحنه منازعات سیاسی-اجتماعی و بحران آفرینی که برای جهان اسلام به‌وجود آورد و نهایتاً به جنگ جمل منتهی شد، می‌نویسد بی‌توجهی عایشه به دستور خداوند سبب ایجاد اولین جنگ مسلمین با مسلمین شد (Motahhari, 431: 2013). براین اساس از نظر امین، هیچ‌کدام از دو نوع پوشش، اعم از پوشش ظاهری و عدم اختلاط با نامحرم، در مورد زنان عصر ما صدق نمی‌کند و عرفاً و شرعاً لزومی برای رعایت آن‌ها وجود ندارد.

۵-۷. گستره حجاب اسلامی از منظر امین و مطهری

امین بعد از ذکر آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌نویسد که دین اسلام به زنان اجازه داده که در مقابل نامحرم برخی اندامشان را نپوشانند و به نامحرمان نمایش دهند (Amin, 1899: 39). برعکس، مطهری توضیح می‌دهد که اقتضای حجاب و پوشش، حفظ جامعه است. همچنین پوشش زن نباید طوری باشد که موجبات تهییج شهوت و تحریک مرد را فراهم کند (Motahhari, 2013: 447). وی حجاب را محدود به پوشش ظاهری نمی‌داند، بلکه مجموعه‌ای از حرکات و سکناتی که انسان را واجد روح حیا و عفت می‌کند حجاب محسوب می‌شود. بدین ترتیب حجاب را در معنای کلی عفت معنا می‌کند. علامه طباطبایی^۲ در ضمن تفسیر آیه سی‌ام سوره نور، روایتی از امام علی (ع) می‌آورد و

1. Al-Ahzaab: 32

2. Muhammad Husayn Tabataba'i (1903-1981)

توضیح می‌دهد مراد این آیه، چشم‌پوشی از کل بدن زن نامحرم است (Tabataba'i, 2011, 15: 117).

اعتقاد امین در مسئله پوشش و حجاب در نقطه مقابل اعتقاد مطهری قرار دارد. لحن تفسیر امین برای آیات سوره نور با برداشت مطهری از حجاب متفاوت است. تقابل اندیشه مطهری با امین در همین مسئله است. امین حدود پوشش را به نفع کشف حجاب مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که آیات سوره نور بیان‌کننده محدوده مجاز نمایش بدن به نامحرمان است. ولی از دیدگاه مطهری، آیات قرآن به نفع کشف حجاب فهمیده نمی‌شود. به دیگر معنا، کلام مطهری درباره حجاب مشحون از روح حیا و حجاب است و این در نقطه مقابل تفسیر امین قرار دارد.

۵-۸. بررسی دیدگاه امین و مطهری درباره برابری جنسیتی

امین به‌عنوان روشنفکر عرب، از اولین افرادی است که برابری زن و مرد در حقوق و شئون اجتماعی را مطرح کرد. در نگرش او زن، انسانی مثل مرد است. نه در اعضا و نه در وظایف تفاوتی با مرد ندارد. به این ترتیب برابری از ابتدا باید میان دختران و پسران در مدارس آموزش داده شود و اولین مرحله آن برابری در آموزش است (Amin, 1899: 16, 86-88).

مطهری در موضوع تساوی حقوق زن و مرد، ضمن اشاره به انقلابی که در غرب تحت عنوان نوزایی رخ داد، توضیح می‌دهد ادعای برابری حقوق زن و مرد در اروپا اتفاق افتاد، ولی هیچ‌گاه این دو با هم در واقعیت مساوی قرار داده نشدند. این عدم تحقق برابری هم به دلیل وضع طبیعی و احتیاجات رسمی و روحی زن بود که هرگز نتوانست حقوقی برابر پیدا کند و برای زنان بدبختی‌های دیگری به وجود آورد (Motahhari, 2013: 137). به بیان او، عدم تشابه حقوق زن و مرد تکیه به عدم تشابهی دارد که طبیعت برای ایشان در نظر گرفته است. این عدم تشابه هم با عدالت فطری سازگار است و هم حقوق آنان و سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌کند و پیش‌برنده اجتماع به جلو است (Motahhari, 2013: 137).

در نگرش امین، زنان باید به وسیله آموزش، آزادی و برابری به دست آورند و باید قدرت آنان را در جامعه افزایش داد تا خود بر مسند امور مربوط به خود تصمیم‌گیری کنند. الفاخوری^۱ در این زمینه می‌نویسد که قاسم امین در ظاهر تلاش می‌کرد با شبیه کردن زنان به مردان یا آن‌طور که خودش می‌گوید، حقوق و آزادی برابر برای زنان، رضایتمندی زنان را افزایش دهد، ولی تلاش وی مفید به حال زنان نیست (Fakhouri, 2008).

۱. حنا الفاخوری (۱۹۱۴ ق) کشیش و نویسنده مسیحی عرب

۵-۹. مقایسه جایگاه زن در اندیشه قاسم امین با شهید مطهری

امین ضمن اذعان به پستی جایگاه و انحطاط زنان (Amin, 1899: 50) و روا دانستن نسبت حيله گری برای آنان معتقد است اعتماد مردان از زنان سلب شده است و مردان، زنان را یاوران شیطان می‌دانند (Amin, 1899: 33). او با تأکید بر ضرورت آموزش برای زنان، زنان آموزش‌نندیده را با برخی حیوانات مقایسه می‌کند (Amin, 1899: 68).^۱ درحالی‌که از نظر مطهری، یکی از نظرات تحقیرآمیزی که در گذشته برای زن وجود داشته است، نسبت شر و بلا دادن به او است و مردان نیز بهره‌های زیادی از وجود زنان می‌بردند، ولی با تحقیرش، او را مایه بدبختی و گرفتاری می‌دانستند. ایشان سپس متذکر می‌شود که نگاه اسلام به زن این است که برای مرد، مایه آرامش^۲ است نه بدبختی. قرآن کریم هم با اتهام‌زنی به زن مبارزه کرده است و از اینکه او را عنصر وسوسه و شیطان خوانده شود، مبرا دانسته است (Motahhari, 2013: 134).

۵-۱۰. مختصری از تاریخچه حجاب در غرب

در این بخش مختصری از تاریخچه حجاب در غرب در ادامه می‌آید تا مروری باشد بر تاریخچه آن در غرب و همچنین دانسته شود که از زمانی که دولت‌های غربی پای زنان را به عرصه بازار باز کردند، بی‌حجابی مد شد. دلیل این کار به دو مسئله بازمی‌گردد: اول تأمین نیروی کار ارزان‌تر و مطمئن‌تر و دوم، استفاده از زنان به‌عنوان زینت و جاذبه برای محیط کار.

قبل از دوره نوزایی، حجاب به‌صورت پراکنده در اطراف و اکناف جهان وجود داشته است. به این شکل که زنان یونانی، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند یا در ایران باستان، اقوام مختلف ایرانی مانند کرد، لر، بلوچ و گیلکی‌ها پوشش متناسب با آداب و رسوم خود را داشتند. همچنین در برخی ادیان مانند یهودیت، زنان اگر بدون حجاب در کوچه و خیابان تردد می‌کردند، مطابق آیین یهود، مردان حق طلاق آنان را داشتند. نمونه‌هایی از حجاب در آیین مسیحیت و زرتشت نیز وجود داشته است (Saki, 2017: 64-68) که ویل دورانت مورخ شهیر انگلیسی نمونه‌هایی از آن را بیان کرده است. در دایرةالمعارف لاروس آمده است: «در یونان باستان، زنان برای حضور در اجتماعات، صورت و اندامشان را تا روی پاها می‌پوشاندند.» این پوشش شفاف بود، ولی نوعی پوشش بود

۱. وی معتقد است زنان اگر آموزش ببینند، قیمت و ارزش پیدا می‌کنند. در غیر این صورت تفاوتی میان زنان و گربه‌ای که زادولد می‌کند، نیست.

۲. اشاره به آیه ۲۱ سوره روم

(Collection of Authors, 2017). به بیان ویل دورانت، زنان در دوران باستان به شرطی در جشن‌ها و تماشاخانه‌ها حضور پیدا می‌کردند که از لحاظ حجاب کاملاً پوشیده بوده باشند. زنان شریف و عقیف در اسپانیا دور از مردان غذا می‌خوردند و بعد از ورود اسلام به اسپانیا (آندلس) به لباس مردان ردا و به لباس زنان چادر اضافه شد (Durant, 2022).

دورانت توضیح می‌دهد رنسانس نه یک دوره زمانی، بلکه دوره‌ای از تفکر است که در اثر فشارهای غیرعقلانی حاکمیت کلیسا بر مردم شکل گرفت. رنسانس با ایده دنیامحوری، تعبیر دیگری از کمال انسان ارائه داد که در آن فقط جسم انسان محور و معیار بود و مقدس شمرده می‌شد. او در ادامه می‌نویسد که کارخانه‌داران در فکر سود بیشتر خود بودند و با نادیده‌گرفتن امور اخلاقی، زنان را که نیروی ارزانی‌تری برای کار محسوب می‌شدند وارد کارخانه‌ها کردند و لباس‌های آنان را کوتاه و تنگ انتخاب کردند تا هنگام استفاده از دستگاه‌های خطرناک، احتمال خطر کاهش یابد. بدین ترتیب در جامعه صنعتی، زنان نیز به سرمایه و بخشی از صنعت تبدیل شدند. این نوع برهنگی زنان وقتی با مفهوم سرمایه‌داری گره خورد، استفاده از جذابیت‌های جنسی زنان برای کسب سود بیشتر را جایز شمرد و زنان را وارد عرصه فحشا کرد (Durant, 2024). این تغییرات همه در صورتی اتفاق افتاد که پیش از آن زنان حجاب داشتند. حجاب امری فطری بود و در همه جوامع نیز مورد توجه بود. اما همین پدیده فطری بعد از نوزایی و با حضور زنان در کارخانه‌ها، به تدریج به امری ضد ارزش و مانع سود مادی بدل شد و از صحنه تعاملات انسان پس از رنسانس حذف شد. تصاویری که در ادامه می‌آید، نمونه‌ای از حجاب زنان در میان ملل و اقوام مختلف جهان را تا پیش از رنسانس نشان می‌دهد، تصاویر نشان‌دهنده آن است که حجاب به‌عنوان امری فطری فارغ از قومیت، ملیت و نژاد مورد توجه انسان‌ها بوده است.



الف

ب



ت

تصویر ۱. حجاب زنان در یونان باستان (الف)، حجاب زنان اشراف اسپانیایی (ب)، حجاب زنان ایرانی پیش از اسلام (پ) و حجاب زنان ایتالیایی (ت)



پ

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نه موضع از مواضع قاسم امین دربارهٔ زنان مطرح، و با اندیشه‌های مرتضی مطهری پاسخ داده شد. امین از حجاب تعبیر به زندان می‌کند، اما مطهری توضیح می‌دهد حجاب در اسلام مانع بروز استعدادهای زن نیست. امین حجاب را نتیجهٔ تأثیرات سایر ملل بر مسلمانان می‌داند؛ درحالی‌که مطهری حجاب را جزو مشروعات اسلامی می‌پندارد و مثال‌هایی از قرآن و سیره می‌آورد. امین برای زن، چهار دورهٔ تاریخی در نظر گرفته است، اما مطهری این چهار دوره را از اساس بی‌پایه و سست می‌داند و بر آن است که ریشهٔ این مسئله در کمونیسم و خصوصاً کمونیسم جنسی است. اعتقاد بعدی امین آن است که برقع و نقاب به دلیل ایجاد محرومیت برای مرد سبب ایجاد فحشا می‌شود و حتی منکر وجود چنین حجابی در اسلام می‌شود. مطهری در مقابل، ضمن نقد سخن ویل دورانت معتقد است نداشتن حجاب و پوشش، جامعه را به ورطهٔ دیوانگی و عقدهٔ روحی می‌کشاند. دیگر اعتقاد امین این است که حجاب زنان شرقی را عامل پسرقت کل مشرق‌زمین و بی‌حجابی زنان غربی را عامل پیشرفت مغرب‌زمین می‌داند. مطهری در نقد این سخن می‌گوید اتفاقاً آنچه موجب فلج کردن و پسرقت جامعه می‌شود، راهیابی التذاذ جنسی به صحنهٔ جامعه است که موجب فلج شدن نیروی کار و افت راندمان کار می‌شود و دینداری را سبب افزایش بهره‌وری کار می‌داند.

امین ضمن اشاره به تولید ماشین بخار و الکتریسیته توسط دانشمندان مغرب‌زمین اظهار می‌کند که اگر اروپاییان خیری در حجاب می‌دیدند، آن را رها نمی‌کردند. اما به بیان مطهری، برخی

روشنفکران گمان کردند لازمه رشد فناوریانه ترک دینداری است که سخن بی‌پایه و بی‌اساسی است و اسلام قابل انطباق‌ترین دین با تغییرات روز است.

امین حجاب را مختص زنان پیامبر می‌داند و به عبارت لَسْتُنَّ قَرَآن استناد کرده است. اما به سخن مطهری، دستور قرآن به خانه‌نشینی زنان پیامبر ریشه در مسائل اجتماعی سیاسی دارد. امین معتقد است خداوند به شکل ایجابی به زنان اجازه داده که بعضی از اندام‌های خود را به نامحرم نمایش دهند و با نادیده‌گرفتن قرینه موجود در آیه دچار اشتباه روشی در تفسیر شده و آیه را خالی از روح حیا و عفت کرده است. یکی دیگر از اعتقادات امین این است که حجاب عامل تحریک شهوت است. مطهری در مقابل بر آن است که نبودن حریم میان زن و مرد نامحرم، بار هیجان‌ات را افزایش می‌دهد و سبب ازکارافتادن نیروی کار جامعه می‌شود.

امین در سه حوزه تلاش کرده است: آموزش زنان، ضرورت رهایی از تصمیمات مردان و تصمیم‌گیری برای امور خود. از این منظر، دیدگاه‌های امین با شعارهای لیبرالیسم غربی در موج اول فمینیسم^۱ مطابقت دارد. براساس لیبرالیسم، با آموزش و افزایش قدرت زنان باید آن‌ها را به شرایطی شبیه مردان یا حداقل برابر مردان رسانید. ناهمخوانی صدر و ذیل به صورت مشهود در کلام امین دیده می‌شود. در بحث از حجاب، ابتدا خود را مدافع حجاب اسلامی و مدعی بازگشت به حجاب دینی معرفی می‌کند، ولی در میان بحث، به نتایجی متفاوت با مقدمات می‌رسد، مانند اینکه حجاب را عادت مسلمین و سبب انحطاط زنان شرقی می‌داند و علت پیشرفت غربیان را عدم پایبندی به حجاب می‌داند و در جای دیگری اذعان می‌کند که قصد رفع و ترک ناگهانی حجاب را ندارد و معتقد است این مسئله باید از مدارس و آموزش کودکان به تدریج رخ دهد؛ در صورتی که در صدر بحث خود به این مسئله اذعان کرده بود که بی‌حجابی در غرب، زن را از تعرض مصون نداشته است. علی‌رغم اینکه او بحث فقهی حجاب نیز در آثارش مطرح کرده، در نهایت به بی‌حجابی کامل می‌رسد. این مسئله در تعارض کامل با نظرات مرتضی مطهری قرار دارد.

نهضتی که امین به راه انداخت، در پی تطبیق کامل زنان بر مدل زن غربی است؛ یعنی به دنبال رفع کامل حجاب است و حتی در امتداد بحث فقهی هم نبوده است و در تقابل کامل با آثار و نظرات مطهری در این زمینه است. شاهد این مسئله اینکه نوه امین سال‌ها بعد که کتب پدر بزرگ را تجدید چاپ کرد، به عنوان نمونه برای الگوی زن غربی، تصویر زنان مکشوفه تحصیل کرده را در انتهای کتاب آورد و به خلاف آنچه ماهر حسن فهمی بر آن است که امین درصدد کمک به آموزش و تربیت

زنان بوده است، آثار وی نشان‌دهنده شروع نهضتی برای کشف حجاب از زنان و دعوت به اختلاط با مردان است. حتی برخی معتقدند امین با دو اثر تألیفی خود به دنبال رهایی زن و ابتدال او است. با تاریخچه مختصری که از حجاب در بخش آخر این پژوهش آمده است، مشخص می‌شود روند از بین بردن حجاب در غرب، برای وارد کردن زنان به‌عنوان نیروی ارزان‌تر کار و افزایش جاذبه‌های جنسی بوده و این دو دلیل در نهایت به ضرر زنان و به نفع سرمایه‌داران است. امین نیز به دفعات متعدد از کار کردن زنان به‌صورت دوشادوش با مردان تمجید می‌کند و در جای دیگری آرزو می‌کند که روزی بتوان فرزندان را به شیوه اروپایان تربیت کرد و پرورش داد؛ درحالی‌که مطهری به دنبال ایجاد فضای خالی از محرک‌های جنسی در جامعه است. به معنای دیگر مطهری معتقد است جاذبه‌های جنسی به دلیل وجود هیجان‌ات بالا و تحریک افراد، زمانی که در صحنه‌های اجتماعی بروز یابد، مانع رشد جامعه است.

در نهایت باید امین را فردی دانست که راه رهایی و نجات را آشنایی و درآمیختن با تمدن غرب دانسته و حجاب را مانع این یگانگی می‌داند، توسعه جنسیتی غربی را سرلوحه خود قرار داده و این مسئله را در قالب آموزش و تربیت زنان مطرح می‌کند که از نظر مطهری، این دو مسئله ارتباطی به یکدیگر ندارد، بلکه وی معتقد است آزادی حجاب مانع رشد و پیشرفت جامعه است. امین کتاب را با ادعای اعطای جایگاه بالاتر از مردان به زنان شروع می‌کند، ولی زیاد طولی نمی‌کشد که به مساوات زن و مرد می‌رسد و حتی زن را با حیوانات مقایسه می‌کند، ولی استدلال و سخن مطهری برای دفاع از جایگاه زن در اسلام دچار تغییر در نتیجه‌گیری نمی‌شود. همچنین برای زنان جایگاه بالایی قائل است. حتی کشف حجاب هم نمی‌تواند موجب شود که زنان مکشفه را با حیوانات مقایسه کند. این مسئله در نقطه مقابل امین قرار دارد که زنان آموزش‌نندیده را با گربه مقایسه می‌کند. در نهایت اینکه امین مسیر پیشرفت اجتماعی را در گرو رفع کامل حجاب و تشبیه به غرب می‌داند، ولی مطهری مسیر رشد را در حفظ حجاب و گسترش عفاف معرفی می‌کند.

۷. تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی می‌کنند که این اثر در هیچ‌یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است. این پژوهش حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق قوانین و مقررات اخلاقی انجام شده و در آن هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش احتمالی تعارض منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسندگان مسئول است و ایشان مسئولیت موارد ذکر شده را برعهده می‌گیرند.

References

- Qur'an (2019). Translated by: A. Dozdozani. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Abi Dawud, S. B. A. A. (2009). *Sunan abi dawud*. Basra: Dar al-Rasalah Al-Alamiya. (In Arabic)
- Alavinejad, H. (2016). *Intellectual approaches to the issue of women in the Qur'an*. Mashhad: Qur'anic Research Quarterly. (In Persian)
- Al-Buolaqi, M. A. H. (1899). *Al-jalis al-anis fi al-tahdhir amma fi tahrir al-mara' men al-talbis*. Cairo: Egypt: Al-Maarif Al-Ahliyya Press. (In Arabic)
- Al-Milad, Z. (2002). *Contemporary arab thoughts and New thinking in women's issues*. Translated by: A. Amini. Qom: Payam Zan Monthly. (In Persian)
- Al-Sayyed Jassim, A. (1986). *The historical concept of the women's issue*. Baghdad: National Library and Archives. (In Arabic)
- Al-Ziyat, A. H. (1951). *Qasim amin*. Cairo: Weekly Literature And Sciences.
- Amarah, M. (1989). *Al-amal al-kamilah*. Beirut: Dar Al-Shurouq.
- Ameri, P., & Hamidi, F. (2017). The relationship between the views of contemporary religious thinkers and gender development (analysis and comparison of Qasim Amin and Nazira Zaineddin's opinions about women). *Adyan and Irfan*, 49, 211-232. <https://sid.ir/paper/167240/fa> (In Persian)
- Amin, Q. M. (1899). *Tahrir al-mara'*. Cairo: Arabic Words for Translation and Publishing. (In Arabic)
- Amin, Q. M. (1901). *Al-Marae al-jadideh*. Cairo: Arabic Words for Translation and Publishing. (In Arabic)
- Collection of Authors (2017). *Larus encyclopedia*. Translated by: A. Salehi Rad. Contemporary Publishing. (In Persian)
- Dadkhah, H., Golizadeh, P., & Nazarpour, B. (2013). The position of women from the point of view of modern Egyptian writers. *Women's Research Journal, Institute of Humanities and Cultural Studies*, 4(2), 73-83. (In Persian) <https://sid.ir/paper/235777/fa>
- Durant, W. J. (2022). *The book of history of civilization*. Translated by: Translators team. Tehran: Scientific and Cultural Publishing. (In Persian)

- Durant, W. J. (2024). *The mansions of philosophy*. Translated by: A. Zaryab Khoei: Negah. (In Persian)
- Fakhouri, H. (2008). *History of arabic literature*. Tehran: Tous Publishing House. (In Persian)
- Faramarz Qaramelki, A. (2006). *Methodology of religious studies*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. (In Persian)
- Fathi Dehkordi, S., & Wali Nawaz Jahazdani, S. (2017). A study and critique of Qasim Amin's views on al-Hijab in the book of Tahrir al-Maree. *Journal of Arabic Language and Scientific Studies*, 13(3), 407-431. <https://doi.org/10.22059/jal-lq.2017.202781.553>
- Ghareed, S. (1994). *Qasim amin bain al-adab and al-qasha*. Beirut: Dar Al-Kotob al-Almiyah. (In Arabic)
- Heikal, M. H. (1935). *After qasim amin*. Cairo: Al-Hilal. (In Arabic)
- Hourani, A. (1997). *Arab thought in the Ennahda era*. Translated by: K. Ezqul. Beirut: Darnofel. (In Arabic)
- Ibn al-Rasoul, S. M. R., & Mohammadi Fesharaki, M. (2011). *Parveen etisami and the impact of the thoughts of qasim amin, the pretender of women's freedom in Egypt*, Kerman: Shahid Bahonar University, Faculty of Literature and Human Sciences. (In Persian) SID. <https://sid.ir/paper/167240/fa>
- Jadaan, F. (1988). *The basis of the development of Islam in the world of Arabic hadith*. Omman: Dar al-Shoruq. (In Arabic)
- Jafarian, R. (2001). The issue of hijab and the influence of Qasim Amin Masri's thoughts in Iran. *Ayane Research*, 65-70. (In Persian)
- Jafarian, R. (2021). Hijab from religious arguments to social arguments. *Aineh Harush*, 187. (In Persian)
- Ma'luf, L. (2008). *Il-Mjjj i fi ll-l a-ll -"lmm* Translated by: Q. Bustani. Tehran: Al-Wafa Institute. (In Persian)
- Marsh, D., & Stoker, J. (1999). *Method and theory in political science*. Translated by: A. M. Haji Yousefi. Tehran: Strategic Studies Magazine. (In Persian)
- Moradi, F., & Samizadeh, R. (2013). The necessity of education and training of women in the thought of qasim amin and parvin etisami. *Comparative Literature Studies Journal*, 7(28), 101-126. (In Persian)

- Motahhari, M. (2013). *Collection of works*. Tehran: Sadra Publishing House. (In Persian)
- Nouraninejad, M. (2017). Women must act themselves to change their situation: a review of Marx's book about gender and family, a critical study. *Book Review Quarterly*, 4. (In Persian)
- Sajadi, S. (2007). Examining Qasim Amin's view on women and its compatibility with Quran and Sunnah. *PhD Dissertation*. Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan. (In Persian)
- Saki, M. (2017). *Research on hijab in divine religions*. *Sokhane Jamia*, 6(14). (In Persian)
- Tabataba'i Majd, Gh. (2016). *A still green memory*. Tehran: Mogham Publishing. (In Persian)
- Tabatabai, S. .M. H. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Publishing House. (In Arabic)
- Yari, Y. (2015). Women's social rights in the thought of Mohammad Qasim Amin. *Research of Historical Science*, 7(2), 125-144. (In Persian) SID. <https://sid.ir/paper/210735/fa>
- Zamakhshari, M. (1987). *Al-Kashshaaf 'an Haqa'iq at-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Arabic)